



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی رابطه بین سبک های تفکر با شادکامی در دانش آموزان

علی ریگی^۱، اله داد شریفی نسب^۲، بهادر خلیلی پور^۳، نورالله رئیسی^۴، محمد امین ملازاده^۵، علی رضا سالاری^۶

^۱دانشجوی کارشناسی رشته تاریخ، دانشگاه پیام نور زاهدان، زاهدان، ایران

^۲کارشناس ارشد مدیریت برنامه ریزی، فرهنگی، آموزش و پرورش منطقه جالق، گلشن، ایران

^۳کارشناس رشته هنر های تجسمی، هنرستان کاردانش شهید چمران، فرهنگی، آموزش و پرورش منطقه جالق، گلشن، ایران

^۴کارشناس رشته آموزش ابتدایی، دبستان راشدین، فرهنگی، آموزش و پرورش منطقه جالق، گلشن، ایران

^۵کارشناس رشته آموزش ابتدایی، دبستان راشدین، فرهنگی، آموزش و پرورش منطقه جالق، گلشن، ایران

^۶کارشناس رشته آموزش ابتدایی، دبستان راشدین، فرهنگی، آموزش و پرورش منطقه جالق، گلشن، ایران

alirigi0013691103@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک های تفکر با شادکامی در دانش آموزان بود. بنابراین می توان گفت بهتر است وظایفی را که به دانش آموزان محول می شود طوری ارائه داد که با سبک های تفکر آنان انطباق داشته باشد یا این که سبک تفکر خود را متناسب با آن وظایف تعدیل نمایند. افراد دوست دارند طبق سبکهای فکری خود عمل کنند و آن طور که می خواهند از تواناییهای بالقوه خویش استفاده نمایند که این موارد بر سلامت عمومی دانش آموزان تاثیر گذار می باشد. از سبک تفکر دانش آموزان بر تفاوت های دیده شده بین ادراک و رفتارهای مشاهده شده در روند تصمیم گیری آنها دلالت دارد که هر چه این ادراک به وظیفه مداری، کناره گیری از دیگران و گهگاه ناآگاهی اجتماعی گرایش داشته باشد می تواند شادکامی بیشتری برای دانش آموزان به همراه داشته باشد.

کلیدواژه ها: سبک های تفکر، شادکامی، دانش آموزان.

۱-مقدمه

آموزش و پرورش امروز رسالت آموزش تفکر را بر دوش دارد و رویکردهای آموزشی جدید نیز عمدتاً ناظر به ضرورت آموزش مهارت های فکری در دوران کودکی می باشند. بخشی از ضرورت متعارف در آموزش مهارت های تفکر، نتیجه افزایش آگاهی از این نکته است که جامعه تغییر کرده است و مهارتهایی که برای نسل قبل مفید بوده اند دیگر نمی توانند دانش آموزان را برای جهان خارج از مدرسه آماده کنند. پس این الزام ایجاد می شود که در آموزش، توجه خود را کمتر به ارائه اطلاعات و بیشتر به آموزش تفکر مستقل معطوف کنیم (شهرکی، ۱۳۹۵).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تفکر^۱ یکی از مهم‌ترین مباحثی است که در تعلیم و تربیت^۲ مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. امروزه رشد، پرورش و ارزشیابی تفکر یکی از کارکردهای اصلی تعلیم و تربیت است. در مطالعات روان شناسی نیز بحث درباره تفکر جایگاه خاصی دارد. ویژگی اساسی انسان بر خورداری از قدرت تفکر است. انسان‌ها به کمک فکر خود توانسته‌اند به محیط پیچیده و متغیر مسلط شده و به حیات خود ادامه دهند. افراد با سبک ویژه خودشان در مورد چگونگی انجام کارها فکر می‌کنند (کارزن^۳، ۲۰۱۱).

هنچنین نشاط یا شادی واژه‌ای است که معانی مختلفی چون لذت آنی، لذت طولانی مدت و لذت از کل زندگی را شامل می‌شود. شادی اساسی‌ترین بحث انسانی برای تمام نسلهاست و مرکزی‌ترین محرک اهداف بشری است. شادی می‌تواند موجب نگرش مثبت به زندگی، خودپنداری مثبت، برخورداری از سلامت روان و تعادل عاطفی، امیدواری به آینده، نگرش مطلوب و رضایت آمیز به خود و دیگران، روابط اجتماعی متعادل، دوری از کینه و نفرت، انتخاب آگاهانه اهداف زندگی، تلاش برای تحقق اهداف، دوری از اتلاف وقت و کاهلی، افزایش موفقیت‌های زندگی، برخورداری از شاخصهای بالای زندگی، عملکرد بهتر سیستم ایمنی در مقابل استرس‌ها، خواب بهتر، تمایل بیشتر کمک به دیگران، عملکرد بهتر شغلی-تحصیلی و تصمیم‌گیری بهتر گردد (جوبیاری و همکاران، ۱۳۹۵).

۲- سبک‌های تفکر

رابرت استرنبرگ شیوه‌های متفاوت افراد را در پردازش اطلاعات «سبک تفکر» نام‌گذاری کرده است. از نظر وی سبک تفکر روش رجحان یافته‌ی تفکر است. سبک تفکر یک توانایی نیست بلکه چگونگی استفاده فرد از توانایی‌هایش است. توانایی به «خوب از عهده‌ی کاری برآمدن» اشاره دارد، درحالی‌که سبک به این امر که «فرد دوست دارد؛ چگونه کاری را انجام دهد» اشاره دارد. دو فرد با توانایی‌های یکسان ممکن است سبک‌های متفاوتی داشته باشند. سبک‌های متفاوت نه خوب هستند و نه بد، بلکه متفاوت‌اند (شیری، ۱۳۸۴).

افراد با توجه به اینکه محیط شغلی آن‌ها تا چه اندازه با سبک تفکرشان همسو و یا مغایر باشد، می‌توانند در مراحل مختلف شغلی خود حضور قوی‌تر یا ضعیف‌تری داشته باشند. باوجود تعاریف متعدد و مبسوط از توانایی، سبک‌های تفکر هم به همان اندازه و شاید به دلایلی بیشتر از توانایی مهم و مؤثر است. زیرا ساخت‌های اجتماعی، هیجانی و عملکردهای هوش و به عبارتی وجوه مختلف هوش تصور ما را نسبت به آن چیزی که افراد قادرند انجام دهند گسترش می‌دهند؛ اما ساخت‌های مربوط به سبک‌های تفکر، تصور ما را نسبت به آن چیزی که افراد ترجیح می‌دهند تا انجام بدهند نزدیک می‌کند (لیائو^۴ و همکاران، ۲۰۱۱).

وقتی نیمرخ سبک‌های تفکر فرد تناسب خوبی با محیط داشته باشد، پیشرفت خواهد کرد، ولی وقتی تطابق مناسب و کافی نباشد فرد متحمل آسیب‌هایی خواهد شد؛ بسته به این‌که نیمرخ سبک‌های تفکر فرد تا چه اندازه و چگونه با انتظارات محیط تطابق یابد و چگونه فرد محیط را ارزیابی می‌نماید، عملکرد بهتر یا ضعیف‌تر وی طی دوره‌های شغلی مشخص می‌گردد (شهسواری^۵ و همکاران، ۱۳۹۴).

سبک مترادف با توانایی نیست، بلکه نحوه استفاده از توانایی‌های بالقوه است. ما یک سبک خاص نداریم، بلکه شماری از سبک‌ها وجود دارند. افراد ممکن است توانایی‌های مشابهی داشته باشند معذالک سبک‌های تفکرشان متفاوت باشد، اما جامعه

-
- 1- Thinking
 - 2- Education
 - 3- Karzn
 - 4- Liao
 - 5- Shahsavari



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همیشه با توجه به توانایی‌های یکسان افراد، یک‌جور در مورد آن‌ها قضاوت نمی‌کند، بلکه افرادی که سبک تفکرشان در موقعیت‌های خاص متناسب با انتظارات جامعه است، به عنوان کسانی که دارای سطوح بالای توانایی هستند، مورد قضاوت قرار می‌گیرند، علی‌رغم این واقعیت که آنچه مطرح می‌شود، توانایی نیست بلکه انطباق سبک‌های تفکر آنان با وظایفی است، که بر عهده دارند. اینکه افراد ترجیح می‌دهند چگونه بیندیشند، می‌تواند به اندازه‌ای که تا چه حد خوب می‌اندیشند، حائز اهمیت باشد (ژو و ژانگ، ۲۰۱۱).

۱-۲- سبک تفکر قانون‌گذار

افراد قانون‌گذار دوست دارند قوانین را خود وضع کنند و به مسائل بپردازند که قبلاً طرح‌ریزی و سازمان‌دهی نشده باشند. استنبرگ معتقد است که سبک قانون‌گذار عملاً به خلاقیت می‌انجامد. همچنین به عقیده او برخی از فعالیت‌هایی که در تفکر قانون‌گذار مطرح است عبارت‌اند از: ارائه مقالات بدیع، طراحی پروژه‌های نوین، ایجاد برنامه‌های آموزشی و شغلی پیشرفته و اختراع چیزهای نو (استنبرگ، ۱۹۹۸، ترجمه اعتمادی اهری و خسروی).

۲-۲- سبک تفکر اجرایی

افراد با سبک تفکر اجرایی مایل‌اند از مقررات پیروی کرده و کارهایی را به عهده بگیرند که از قبل طرح‌ریزی و سازمان‌دهی شده است. این افراد غالباً ترجیح می‌دهند آنچه را که باید انجام دهند به آن‌ها گفته شود. این افراد از کار کردن بر روی تکالیفی که دستورالعمل‌ها و رهنمودهای روشن و ثابت دارند لذت می‌برند. از جمله فعالیت‌های موردعلاقه این افراد می‌توان به حل مسائل ریاضی، به‌کارگیری ضوابط موجود در حل مسئله، سخنرانی و تدریس بر اساس نظر دیگران و پافشاری بر اجرای مقررات اشاره کرد. (هادی زاده، ۱۳۹۱).

۳-۲- سبک تفکر قضاوت‌گر

افراد قضاوت‌گر مایل‌اند قوانین و مراحل انجام کار را ارزیابی کرده و درباره هر چیز قضاوتی داشته باشند. افراد با سبک تفکر قضایی فعالیت‌هایی مانند نوشتن مقالات انتقادآمیز، ارائه عقاید قضاوت در مورد افراد و کارهای آن‌ها و ارزیابی برنامه‌ها را ترجیح می‌دهند (محمدی، ۱۳۹۰).

۴-۲- سبک تفکر فردسالار (سلطنتی یا موناشرستی)

افراد فردسالار اکثراً تک‌محور بوده، به کسی اجازه دخالت در حل مسائل و مشکلاتشان رانمی‌دهند و دنبال آن چیزی هستند که ملکه‌ی ذهنشان شده است. افراد دارای این سبک افراد بااراده و مصمم هستند همچنین به وسیله یک هدف یا نیاز واحد در یک زمان برانگیخته می‌شوند. مایلند امور را در حیطه مسائل خودشان ببینند (معین، ۱۳۹۳).

سبک تفکر پایور سالار (سلسله مراتبی)

فرد پایور سالار (رتبه سالار) هدف را به‌صورت سلسله‌مراتب تنظیم می‌کند و نیاز به اولویت‌بندی هدف‌ها را درک می‌کند. این افراد در مقایسه با افراد دارای سبک تفکر موناشرستی بیشتر پیچیدگی‌ها را می‌پذیرند. (استنبرگ، ۱۹۹۸، ترجمه اعتمادی اهری و خسروی، ۱۳۹۰).

۵-۲- سبک تفکر جرگه سالار (الیگارشی)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جرگه سالارها علاقه دارند امور را در همان زمان تعیین شده انجام دهند و در مورد هدفهایی که از اهمیت یکسانی برخوردارند احساس می‌کنند که از نظر زمانی و سایر منابع تحت فشار قرار دارند. همچنین این افراد بیشتر تحت تاثیر اهدافی هستند که درک یکسانی از اهمیت آنها دارند. آنها در تصمیم‌گیری با این مشکل مواجه هستند که به کدام یک از هدفها باید اولیت بیشتری قائل شد (دلریش، ۱۳۹۴).

۲-۶- سبک تفکر ناسالار (آنارشیست)

شخص ناسالار (هرج و مرج طلب) از طریق تنوع نیازها و هدفهایی که طبقه‌بندی اولویت‌های آن مشکل است، برانگیخته می‌شود. افراد ناسالار هرج و مرج مسائل را به صورت یک امر تصادفی در نظر می‌گیرند. آنها از سیستم‌ها به‌طور جدی دوری می‌کنند و با آنچه سیستم‌ها ارائه می‌دهند مقابله می‌کنند. (سهیلی، ۱۳۹۰).

۲-۷- سبک تفکر کلی‌نگر

افراد کلی‌نگر ترجیح می‌دهند مسائل را در سطح بسیار وسیع و انتزاعی مورد بررسی قرار دهند. این اشخاص دوست دارند با ایده‌های بزرگ سروکار داشته باشند اما گاهی از اوقات ممکن است ارتباط با جزئیات را از دست بدهند (شاهی و همکاران، ۱۳۹۲).

۲-۸- سبک تفکر جزئی‌نگر

افراد جزئی‌نگر روی جزئیات مسائل تأکید دارند. آنها مایل‌اند به جهت‌های عملی یک موضوع هدایت شوند و اهل عمل هستند. افراد با این سبک تفکر از کارهایی لذت می‌برند که آنها را در مسیر جزئیات حرکت دهند (استرنبرگ، ۱۹۹۸، ترجمه اعتمادی اهری و خسروی، ۱۳۹۰).

۲-۹- سبک تفکر بیرون‌نگر

افراد بیرون‌نگر بیشتر به محیط بیرون گرایش دارند و مردم‌دار هستند. غالباً دارای حساسیت اجتماعی هستند و از آنچه برای دیگران اتفاق می‌افتد آگاهی دارند. این افراد از کار کردن به‌تنهایی لذت نمی‌برند (شهسواری و همکاری، ۱۳۹۴).

۲-۱۰- سبک تفکر درون‌نگر

افراد درون‌نگر با امور درونی سروکار دارند. آنان به دورن‌نگری، وظیفه‌مداری، کناره‌گیری از دیگران و گهگاه ناآگاهی اجتماعی گرایش دارند. این افراد مایل‌اند به‌تنهایی کار کنند و برتری آنان ضرورتاً استفاده از هوش در مورد اشیاء و عقاید، جدای از دیگران است (گاکر، ۲۰۱۵). سبک تفکر آزاداندیش.

این افراد دوست دارند فراتر از قوانین و برنامه‌های موجود فکر کنند و به دنبال حداکثر تغییر هستند و موقعیت‌های پیچیده و مبهم را دنبال می‌کنند. افراد با سبک تفکر آزاداندیش تکالیف، پروژه‌ها و موقعیت‌هایی را ترجیح می‌دهند که شامل چیزهای عجیب، حرکت فراسوی قوانین و روش‌های انجام کار موجود و حداکثر سازی تغییر می‌باشند (محمدی، ۱۳۹۰).

۲-۱۱- سبک تفکر محافظه‌کار



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

محافظه کاران دوست دارند به قوانین و برنامه‌های موجود وفادار بمانند و به دنبال حداقل تغییر هستند و از موقعیت‌های پیچیده و مبهم اجتناب می‌کنند همچنین تمایل دارند کارها را با روشهای از پیش تجربه شده و صحیح انجام دهد و از آداب و رسوم پیروی می‌کند (معین، ۱۳۹۰).

۳- شادکامی

شادکامی نام اصطلاح علمی است که برای ارزیابی افراد از زندگی‌شان به کار برده می‌شود. افراد می‌توانند زندگی‌شان را به صورت قضاوت کلی (مانند رضامندی از زندگی یا احساس خرسندی) یا به صورت ارزیابی از حیطه‌های خاص زندگی‌شان (مانند ازدواج یا کار) یا احساسات هیجانی اخیر خود در رابطه با آنچه برایشان رخ داده است (هیجان‌ات خوشایند، که از ارزیابی‌های مثبت تجربیات فردی ناشی می‌شود و سطوح پایین احساسات ناخوشایند که از ارزیابی‌های منفی تجربیات فردی ناشی می‌شود) مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند. شادکامی را به عنوان مجموعه‌ای از عواطف و ارزیابی شناختی از زندگی تعریف کرده است و آنرا درجه‌ای از کیفیت زندگی افراد می‌داند که به طور کلی مثبت ارزیابی می‌کنند (امیدیان، ۱۳۹۳).

به نظر آرچیل مارتین و لو (۱۹۹۵)، سه جزء اصلی شادکامی عبارتند از: هیجان مثبت، رضایت از زندگی و نبود هیجان‌ات منفی از جمله افسردگی و اضطراب. بنابراین، شادکامی مفهومی است که چندین جزء اساسی دارد. نخست آنکه جزئی عاطفی و هیجانی دارد که باعث می‌شود فرد شادکام همواره از نظر خلقی شاد و خوشحال باشد. دوم آنکه جزئی اجتماعی دارد که گسترش روابط اجتماعی را به دنبال دارد. سوم آنکه جزئی شناختی دارد که موجب می‌گردد فرد شادکام نوعی تفکر و نوعی پردازش اطلاعات ویژه‌ی خود داشته باشد و وقایع روزمره را طوری تعبیر و تفسیر کند که خوش‌بینی وی را به دنبال داشته باشد (همان منبع).

در دهه گذشته در مورد جنبه‌های مختلف شادکامی پژوهش‌های زیادی انجام شده است (آرگیل، ۱۹۸۷؛ آیزنیک، ۱۹۹۰؛ مایز، ۱۹۹۲). پژوهشگران شادکامی را به زیستی روانشناختی، زیستی روانی یا زیستی ذهنی تعریف کرده‌اند (ونهن، ۱۹۸۴؛ دینر، ۱۹۹۹؛ آیزنیک، ۱۹۹۰؛ مایرز، ۱۹۹۲؛ آرگیل، ۲۰۰۱). در سال‌های اخیر برای تبیین علل و پیامدهای شادکامی یا به زیستی روانی تلاش‌های زیادی انجام شده است. فردریکسون (۲۰۰۲) معتقد است عواطف منفی همچون، اضطراب یا خشم، سبب می‌شوند ذهن فرد فقط به تولید واکنش‌های دفاعی در برابر موضوعات ایجاد کننده‌ی این عواطف منفی، محدود شود در صورتی که عواطف مثبت، سبب می‌شوند که ذهن فرد بر روی محرک‌ها باز باشد و این مسأله به نوبه‌ی خود فرصت‌هایی را برای توجه‌ی گسترده‌تر به محیط، ایجاد کرده و در نتیجه خلاقیت فرد را بیشتر کرده و موجب شادکامی می‌شود. پس از آنکه شادی به عنوان یک اصل علمی در روان‌شناسی مطرح و تحت عنوان «احساس خوشی» تعریف شد، مبنای تجربیات آگاهانه‌ای قرار گرفت که در تحقیقات علمی به عنوان «روان‌شناسی شادی» از آن نام برده شده است (ریان و یایک، ۲۰۰۵).

شادی احساسی است که همگان خواهان آن هستند؛ اما تعداد کمی به آن دست می‌یابند. نشانه و مشخصه چنین احساسی؛ قدردانی، آرامش درونی و احساس رضایت و علاقه به خود و دیگران است (شریفی درآمدی، ۱۳۸۰). با توجه به پرسشنامه آکسفورد که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، شادی پنج بُعد دارد که این ابعاد به وسیله آرگیل با معکوس کردن مواد مقیاس افسردگی بک ساخته شده است و عبارتند از: رضایت زندگی، سلامت روان، کارآمدی، عزت نفس و خلق مثبت.

Argyle, m. & Luo
Argyle
Myers
Feredrekson
5- Rayn & Dice



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رضایت از زندگی؛ به طور کلی، رضایت از زندگی، میزان ارضای نیازهای مادی و معنوی فرد در زندگی است. این خواسته‌ها و نیازها در نقشه‌های مختلف زندگی (نقش کارمندی، والدینی، دوستی یا دانشجویی) وجود دارد (دمیرویت^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). سلامت روان؛ سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۴) سلامت روان را یک حالت تمام‌عیار جسمی، روانی و رفاه اجتماعی می‌داند و آن را احساس خوشی که فرد در آن توانایی‌هایش را به کار می‌بندد و با فشارهای معمول زندگی کنار آمده و در محیط کار و اجتماع، فردی مفید و اثربخش است، تعریف می‌کند.

کارآمدی؛ بسیاری از محققان تأکید می‌کنند که کارآمدی، در سلامت روان تأثیر دارد. این واژه بر اجرای مؤثر، تسلط بر محیط و انگیزه مؤثر تأکید می‌کند. کارآمدی، توانایی اشخاص را برای حل مشکلاتشان هدف قرار می‌دهد تا با کمترین تلاش در محیط کار موفق شوند و به طور کلی، به عنوان عملکرد مثبت در زندگی تلقی می‌شود (کیس^۲، ۲۰۰۲).

عزت نفس؛ عزت نفس نیز یکی از عواملی است که بر میزان شادمانی افراد تأثیر زیادی دارد. عزت نفس را اساسی‌ترین عامل شادمانی می‌داند. ویلسون (۱۹۶۷) گزارش کرده است که عزت نفس یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های شادی است. (شاه جعفری، عابدی و دریکوندی، ۱۳۹۱).

خُلق مثبت؛ خلق و خو رابطه نزدیکی با شخصیت دارد. خلق و خو، سبک رفتاری و رفتارها، مشخص‌کننده پاسخدهی یک فرد به موقعیت‌هاست (بیابانگرد، ۱۳۸۸) خُلق مثبت یکی از مقوله‌های شادی است که تاریخچه آن به سالهای دهه ۱۹۶۰ میلادی بازمی‌گردد.

امروزه شادی به عنوان یکی از فرضیه‌های روان‌شناسی مثبت، توجه زیادی را به خود جلب کرده و معنای گسترده‌ای را پیدا کرده است. شادی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی می‌دانند. (میرزایی و عابدی، ۱۳۸۵)

۴- بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبکهای تفکر با شادکامی در دانش آموزان بود. بنابراین می‌توان گفت بهتر است وظایفی را که به دانش آموزان محول می‌شود طوری ارائه داد که با سبک های تفکر آنان انطباق داشته باشد یا این که سبک تفکر خود را متناسب با آن وظایف تعدیل نمایند. افراد دوست دارند طبق سبکهای فکری خود عمل کنند و آن طور که می‌خواهند از تواناییهای بالقوه خویش استفاده نمایند که این موارد بر سلامت عمومی دانش آموزان تاثیر گذار می‌باشد. از سبک تفکر دانش آموزان بر تفاوت‌های دیده شده بین ادراک و رفتارهای مشاهده شده در روند تصمیم‌گیری آنها دلالت دارد که هر چه این ادراک به وظیفه مداری، کناره‌گیری از دیگران و گهگاه ناآگاهی اجتماعی گرایش داشته باشد می‌تواند شادکامی بیشتری برای دانش آموزان به همراه داشته باشد.

منابع

۱. استرنبرگ رابرت جی، (۱۳۹۰)، سبک های تفکر، ترجمه علاءالدین اعتمادی اهری و علی اکبر خسروی، تهران: انتشارات دادار، چاپ نهم.
۲. بهرامی احسان، ه، ۱۳۹۱، بهداشت روانی در قرن بیست و یکم و چالش های پیش رو؛ مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و دوم، شماره ۱، صص، ۱۹۹-۱۸۱.
۳. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۸)؛ روان‌شناسی تربیتی (روان‌شناسی آموزش و یادگیری)، تهران، ویرایش

1 - Demerouti

2 - Keyes



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۴. جویباری لیلا ، نوده شریفی اکرم ، ثناگو اکرم، سعیدی سمیرا، سعیدی عصمت، کلانتری سهیلا(۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، نشریه آموزش پرستاری مقاله پژوهشی
۵. جهانشاهی، ناهید (۱۳۸۷)، سبک های تفکر در آموزش، کرمان: انتشارات ودیعت، چاپ چهارم.
۶. دلریش، معصومه(۱۳۹۴)، مطالعه سبک‌های تفکر و تأثیر آن بر نوآوری سازمانی در بین کارکنان اداری دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران - دانشکده علوم انسانی
۷. سهیلی، محبوبه (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین مولفه های سبک تفکر و رضایت شغلی با تعهد سازمانی مدیران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان
۸. شاملو. س، ۱۳۹۰ بهداشت روانی، تهران، انتشارات رشد، چاپ سیزدهم.
۹. شاه جعفری. ابراهیم، عابدی. محمدرضادریکوندی. هدایت اله (۱۳۹۱)، شادمانی و عوامل مؤثر بر آن، مجله تازه های علوم شناختی، شماره. ۱۵، صص، ۵۸-۵۰.
۱۰. شاه جعفری سید ابراهیم و عابدی محمدرضا، دریکوندی هدایت اله(۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر شادی، تازه های علوم شناختی، ۴(۳)، ۵۸-۵۰
۱۱. شاهی، سکینه؛ مهنی، امید؛ حسینی، سارا (۱۳۹۲)، بررسی رابطه سبک تفکر مدیران سازمان آموزش و پرورش با گرایش به تغییر مدیران مدارس، مقاله‌های همایش‌های ایران ، کنفرانس بین المللی مدیریت، چالش‌ها و راهکارها
۱۲. شیری، مرضیه (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین سبک های تفکر و نوآوری سازمانی در بین کارکنان اداری دانشگاه ارومیه در سال تحصیلی ۹۱-۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۱۳. گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۸۵)، رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت)، تبریز: نشر جامعه پژوه.
۱۴. گنجی، حمزه. (۱۳۹۰)، بهداشت روانی، تهران: نشر ارسباران
۱۵. محمدی، امین (۱۳۹۰) ، بررسی رابطه ی سبک‌های تفکر با ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی در مدیران مدارس شهر بیرجند، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۶. هادی زاده، علی رضا(۱۳۹۱)، ابطله بین سبک‌های تفکر با ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان تربیت بدنی استان مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی و غیر دولتی شمال آمل، دانشکده تربیت بدنی
17. Gacar A, 2015. An Examination of the Thinking Styles of Undergraduates who
18. Karzan S D. (2010). The relationship between thinking styles and creativity effectiveness of managers in India, *European Journal of Personality*, 15(6), 465-476
19. Keyes, C.L.M. (2002). "The Mental Health Continuum: from Languishing to Flourishing in life", *Journal of Health and Social Behavior*, 43, P.207-222
20. Shahsavari P, Mehdizadeh A H, Shabani H. (2015). A STUDY ON THE RELATIONSHIP BETWEEN THINKING STYLE OF PRINCIPALS AND CHANGE COMPLIANCE AT FIRST-GRADE HIGH SCHOOLS IN ISLAMSHAHR, IRAN, *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, Vol. 5 (S3), pp. 1709
21. Zhu C, Zhang LF. (2011). Thinking styles and conceptions of creativity among university students, *Educational Psychology*, 31(3), 361-375.